اصفهان میزبان جشنواره بین‌المللی مد و لباس فجر

جلسه هم‌اندیشی و بررسی چگونگی برگزاری چهاردهمین جشنواره بین‌المللی مد و لباس فجر، صبح دیروز با حضور قادر آشنا، مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور، سیدمهدی سیدین‌نیا، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان، محسن گرجی، دبیر کارگروه ساماندهی مد و لباس و محسن شریفی، مدیرکل دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی برگزار شد. در این نشست موضوعات مرتبط با نحوه برگزاری جشنواره، ساختار دبیرخانه، تشکیل شورای سیاست‌گذاری، میزان بودجه، فراخوان جشنواره و چگونگی مشارکت بخش‌های مختلف حوزه مد و لباس مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. قادر آشنا، مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور، با اشاره به انتخاب استان اصفهان به‌عنوان میزبان چهاردهمین جشنواره بین‌المللی مد و لباس فجر، گفت: در دوره جدید و در دولت چهاردهم، سیاست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر واگذاری و برون‌سپاری فعالیت‌ها و استفاده از ظرفیت استان‌ها استوار است. برای میزبانی این دوره از جشنواره، سه استان نامزد بودند که در نهایت اصفهان به‌عنوان میزبان انتخاب شد.

شرق‌پژوهی؛ زمینه‌ای قدیمی برای نفوذ

احمد رهدار: تا از میراث شرق‌شناسی خود آگاه نشویم، خودمان را درست نمی‌شناسیم

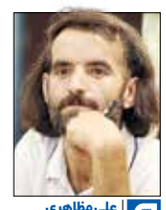

علی مظاهری
روزنامه‌نگار

شرق‌شناسی تنها یک جریان علمی برای شناخت جوامع شرقی نبوده، بلکه به روایت این گفت‌وگو، در طول چند قرن به تدریج به مجموعه‌ای از روش‌ها و رویکردهای معرفتی تبدیل شده که می‌تواند بر نحوه فهم مسلمانان از تاریخ، فرهنگ و هویت خود اثر بگذارد. از پیوند شرق‌شناسی با استعمار و سیاست گرفته تا انتقال برخی از مبانی آن به دانشگاه‌ها و جریان روشنفکری در جهان اسلام، پرسش اصلی این است که چگونه یک دستگاه معرفتی می‌تواند از مسیر علم و پژوهش، بر بنیان‌های هویتی یک جامعه اثر بگذارد. در این میان، بازشناسی روش‌ها و میراث شرق‌شناسی، ضرورتی برای فهم مستقل فرهنگ و تمدن اسلامی دانسته می‌شود. به‌همین مناسبت، با دکتر احمد رهدار گفت‌وگو کردیم.

برای ورود به بحث استحاله فرهنگی، بهتر است از کجا شروع کنیم؟

معتقدم استحاله فرهنگی، مرحله‌ای متاخر است که پس از مساله نفوذ فرهنگی پدید می‌آید. به‌بیان دیگر، هرجا استحاله‌ای صورت گرفته، پیش از آن نوعی نفوذ وجود داشته؛ بنابراین برای فهم درست مفهوم و مصادیق استحاله فرهنگی، لازم است مساله نفوذ فرهنگی و زمینه‌های آن را بررسی کنیم. چند زمینه مهم را می‌توان مورد توجه قرار داد که به‌گمان من در آغاز برای نفوذ سپس برای استحاله فرهنگی در جهان اسلام، به‌ویژه درباره ایران، مؤثر بوده‌اند. به‌گمان من، مهم‌ترین، دیرین‌ترین، پایدارترین و مؤثرترین زمینه نفوذ سپس استحاله فرهنگی در جهان اسلام، جریان شرق‌شناسی است.

شگفت‌آور و در عین حال فاجعه‌بار است که در عمده محافل آکادمیک ما، نگاه منفی و انتقادی جدی به جریان استشراق وجود ندارد. حتی اگر نگاه انتقادی هم مطرح باشد، سازوکارها، روندها و رویه‌های جاری در محافل آکادمیک ما به‌گونه‌ای شکل گرفته که از متون و تحقیقات شرق‌شناسی، به‌نحو حداکثری استفاده می‌کنند.

برای فهم این مساله، باید روند تاریخی شرق‌شناسی و تحول رویکردهای آن را بررسی کرد. شرق‌شناسی در چندسده اخیر، به‌گمان من، سه مرحله تاریخی را پشت سر گذاشته؛ مرحله نخست از قرن دهم میلادی تا نیمه قرن هفدهم؛ مرحله دوم از نیمه قرن هفدهم تا نیمه قرن بیستم؛ و مرحله سوم از نیمه قرن بیستم تا امروز. در مرحله نخست، محوریت مطالعات شرق‌شناسی با دستگاه پاپ و کلیسا بود. بخش عمده این دوره، یعنی پنج یا شش سده نخست آن، با چندسده پایانی قرون وسطای غرب، یعنی از قرن دهم تا پانزدهم میلادی، همزمان است. در این دوره، جهان غرب در ساحت انحطاط خود بود و جهان اسلام در مرحله خودشکوفایی و نشاط قرار داشت.

چه تحولاتی در جهان اسلام، زمینه توجه ویرانگر غرب را به شرق فراهم کرد؟ زیرا جنگ‌های صلیبی از یغمای مغول به تمدن ایرانی-اسلامی اگر بیشتر آسیب نزده باشد، کمتر نبوده...

دو اتفاق مهم در جهان اسلام به این دوره شکل داد. نخست جنگ‌های صلیبی که از قرن دهم تا دوازدهم میلادی، در حدود ۲۰۰ سال و در قالب هشت جنگ رخ داد. اتفاق دوم که اتفاقا نتیجه جنگ‌های صلیبی بود، سرقت سپس ترجمه آثار علمی مسلمانان به زبان‌های مختلف به‌ویژه لاتین بود که اوج آن در سده سیزدهم میلادی رخ داد. نتیجه این فرآیند، ابتدا ایجاد اضطراب و سپس شکل‌گیری نوعی انقلاب در حوزه دانش، به‌ویژه در الهیات مسیحی، آن هم تحت تاثیر افکار مسلمانان بود.

فرمودید مطالعات شرق‌شناسی در آغاز با محوریت کلیسا و پاپ انجام می‌شد و رویکرد غالب، تاریخی بود؛ به چه معنا؟

به‌این‌معنا که هر موضوعی از موضوعات مربوط به شرق و عمدتا اسلام را که می‌خواستند مطالعه کنند، تاریخ آن موضوع را مورد بررسی قرار می‌دادند. مستشرقان در این دوره تقریبا با احتیاط و دست‌به‌عصا حرکت می‌کردند. وضعیت روحی آنان، وضعیت انفعال، ترس و احتیاط در برابر جهان اسلام بود. البته در قرون پایانی این دوره، به‌ویژه از قرن شانزدهم و هفدهم، تغییراتی آغاز شد و آن انحطاط، ترس و انفعال به‌تدریج کاهش یافت. در همین دوره، در خود جهان غرب نیز تحولاتی رخ داد؛ از جمله رنسانس و پس از آن، نهضت اصلاح دینی و پروتستانتیسم مسیحی، انقلاب صنعتی و مجموعه‌ای از تحولات خرد و کلان دیگر.

چطور در مرحله دوم، یعنی از نیمه قرن هفدهم تا نیمه قرن بیستم، فضای کاملا متفاوتی شکل گرفت؟

چون مطالعات شرق‌شناسی را در این دوره، دستگاه دربار مدیریت می‌کرد، دیگر کشیش‌ها، پادری‌ها و امثال آنها بازیگران اصلی نبودند؛ بلکه دیپلمات‌ها، جاسوس‌ها و محققان نیز به بازیگران اصلی این عرصه تبدیل شدند. رویکرد مطالعات نیز علمی شد. به این معنا که شرق‌شناسی تنها به رویکرد تاریخی محدود نماند و از ظرفیت دیسیپلین‌های موجود در نظام دانشگاهی، مانند جامعه‌شناسی، اقتصاد، مدیریت، سیاست و البته تاریخ بهره گرفت که مهم‌ترین دستاورد این دوره، تبدیل‌شدن شرق‌شناسی به متدولوژی بود. یعنی همان روندی که به‌واسطه آن شرق‌شناسان در بسیاری از دانشگاه‌های اروپا دانشکده‌های شرق‌شناسی تاسیس کردند و در نتیجه، مستشرقان به‌صورت شبکه‌ای عمل کردند و چون نسبت به ماموریت خود آگاه شدند، تحقیقات‌شان هم افزاشد؛ کنگره‌های شرق‌شناسی راه‌اندازی شد، مجموعه‌ها و دایره‌المعارف‌های شرق‌شناسی نوشته شد و حجم بسیار بالایی از تولیدات علمی با رویکرد شرق‌شناسانه شکل گرفت.

هرجا استحاله‌ای صورت گرفته، پیش از آن نوعی نفوذ وجود داشته؛ بنابراین برای فهم درست مفهوم و مصادیق استحاله فرهنگی، لازم است مساله نفوذ فرهنگی و زمینه‌های آن را بررسی کنیم

در دوره سوم، یعنی از نیمه قرن بیستم به این سو، می‌دانیم اتفاقاتی افتاد که دورانی متمایز از قبل را رقم زد؛ توضیح می‌دهید؟

رویکردهای علمی در این دوره از اتکای صرف به تاریخ و سپس بهره‌گیری از ظرفیت‌های مستقل دسیپلین‌های دانشگاهی، به‌سمت بهره‌گیری از مولتی‌دیسیپلین‌ها و رویکردهای میان‌رشته‌ای رفت که مهم‌ترین برآیندش به‌نظرم، ظهور مستشرقان شرقی بود؛ یعنی تمام حرف‌هایی که مستشرقان غربی در دوره اول و دوم درباره اسلام، علیه اسلام و علیه مسلمانان مطرح می‌کردند، در این دوره از زبان خود شرقی‌ها و خود مسلمان‌ها علیه اسلام و مسلمانان گفته می‌شود.

به دیگرسخن، مهم‌ترین بازیگران حوزه مستشرقان شرقی، به‌طور طبیعی، دانشگاهیان ما بودند؟

شرق‌شناسی، به‌ویژه از دوره دوم که تبدیل به متدولوژی شد، چند مساله را به‌صورت خاص دنبال کرد. پس تفاوتی نمی‌کرد مستشرق انگلیسی باشد یا فرانسوی، آلمانی، روسی، آمریکایی، اسپانیایی، ایتالیایی یا پرتغالی؛ یا فرقی نداشت که در قرن هجدهم، نوزدهم یا بیستم فعالیت کند. همچنین تفاوتی نمی‌کرد موضوع تحقیق دین یا سیاست، فرهنگ یا اقتصاد باشد یا مسائل مدنی؛ قلمرو مورد مطالعه شرق اسلامی باشد یا غیر اسلامی، مثلا هند یا قفقاز جنوبی یا آفریقا. این تفاوت‌ها در نتایج تحقیقات شرق‌شناسی، تفاوت بنیادینی ایجاد نمی‌کرد؛ به‌ویژه در دوره دوم که به متدولوژی تبدیل شده بود.

تحقیقات شرق‌شناسی قرار بود چه مولفه‌هایی را با بیان‌های مختلف و از طریق تطبیق بر مصادیق مختلف، بررسی (یا اثبات) کنند؟

نخست این‌که شرق عقب‌مانده است؛ دوم این‌که شرق استبدادزده است؛ سوم این‌که شرق دارای نژاد پست است؛ چهارم این‌که خود شرق نمی‌تواند خودش را از منجلاب تاریخی و فکری‌ای که در آن گرفتار شده نجات دهد و پنجم این‌که غرب، همان منجی موعودی است که می‌تواند شرق را از این وضعیت فلاکت و انحطاط برهاند و به وضعیت نشاط و پیشرفت برساند. این پنج مساله، به‌گمان من، مسائل مشترک همه مطالعات شرق‌شناسی است.

آیا همه مستشرقان دقیقا در همین مسیر حرکت کردند؟

وقتی می‌گویم «همه»، باید این واژه را اجتماعی و تاریخی فهم کرد. در میان هزاران محقق شرق‌شناس، شاید ۱۰، ۲۰ یا حتی ۵۰ مستشرق توانسته باشند خودشان را از ریل‌های ازپیش‌تعیین‌شده در مسیر تحقیق، خارج کنند و به نتایجی غیر از نتایجی برسند که شرق‌شناسی به‌صورت پیشینی مطرح (یا مقدر) کرده بود.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

پست ضداسرائیلی پربیننده فیلمساز عرب

واکنش کوثر بن هنیه به اعتراف ارتش اسرائیل

کیکاوس زیاری
گروه فرهنگ و هنر

چند روز قبل ارتش اسرائیل بالاخره تصدیق کرد که نیروهای تحت نظرش حدود دو سال قبل به روی ماشینی آتش گشودند که حامل اعضای یک خانواده بود و در زمان تهاجم، بی‌سلاح و بی‌دفاع بودند. در جریان این اقدام غیرانسانی تمامی اعضای خانواده‌ای که داخل ماشین حضور داشتند کشته شدند. هند رجب دختر پنج ساله‌ای که در ماشین حضور داشت، تا چند ساعت بعد از مرگ افراد فامیل خود هنوز زنده بود و از طریق تلفن با نیروهای صلیب سرخ در حال گفت‌وگو بود. او تقاضای کمک کرده بود و نیروهای پزشکی زمانی بالای سر او رسیدند که جانی در تن دخترک باقی نمانده بود. ظاهرا اعتراف ارتش اسرائیل به‌دست داشتن در این جنایت، حاصل اعتراضات بین‌المللی علیه این اقدام بوده و فرماندهان ارتش اسرائیل را بالاخره وادار به پاسخگویی در قبال این کشتار کرده است. ماجرای قتل بی‌رحمانه و فجیع هند رجب و خانواده‌اش دستمایه درامی سیاسی و تلخ به نام «صدای هند رجب» شد که کوثر بن هنیه فیلمساز تونسی تبار سینمای عرب آن را کارگردانی کرد. این فیلم و نمایش موفقیت‌آمیز بین‌المللی آن کمک کرد ماجرای هند رجب در سطح وسیع‌تری مطرح شود و مورد توجه جهانیان قرار گیرد. به‌دنبال اعتراف مقامات نظامی اسرائیل به‌دست داشتن در کشتار هند رجب و خانواده‌اش، نه‌تنها بسیاری از دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی نسبت به آن واکنش نشان داده‌اند که بن هنیه هم در این رابطه موضع‌گیری کرده است.

تحریف اسرائیلی تاریخ و وقایع آن

طی دو سال گذشته با وجود اعتراضات متعدد دولت‌ها و نهادهای مدنی بین‌المللی نسبت به قتل هند رجب، وزارت جنگ اسرائیل و فرماندهان نظامی آن هرگونه دست داشتن و دخالت در قتل هند رجب دختر پنج ساله فلسطینی را تکذیب و انکار می‌کردند. کوثر بن هنیه یکی از اولین کسانی بود که در این مدت صدای اعتراض خود را علیه ظلم ارتش متجاوز اسرائیل در غزه بلند کرده و خواستار تحقیقی کامل و همه‌جانبه در این رابطه شده بود. این فیلمساز ۴۸ ساله با انتشار بیانیه تندی در اینستاگرام خود وزارت جنگ اسرائیل را به دروغگویی آشکار متهم کرده و می‌گوید اسرائیلی‌ها ابایی از تحریف تاریخ و وقایع آن ندارند. او اشاره می‌کند بیانیه تازه ارتش اسرائیل که در آن تصدیق می‌کند در قتل هند رجب دست داشته، حکایت از آن می‌کند که نباید بسیاری از ادعاهای مسئولان اسرائیلی درباره عدم کشتار فلسطینی‌ها را باور کرد.

تاییدیه‌ای بر کشتاری غیرقابل توجیه

به گفته بن هنیه: «اطلاعیه ارتش اسرائیل تاییدی بر صحبت‌هایی است که محافل مترقی و صلح‌طلب جهان طی دو سال قبل تکرار می‌کردند. طی دو سال گذشته مدارک و شواهد مستند و غیرقابل انکاری ارائه شد که نشان می‌داد هند رجب و شش عضو خانواده‌اش به‌دست نیروهای متجاوز اسرائیلی کشته شده‌اند. تحقیقات مستقل بین‌المللی، تصاویر ماهواره‌ای، تحلیل‌های دقیق و راستی‌آزمایی شده فراوان و مهم‌تر از همه صدای دردآلود خود هند رجب حکایت از رخداد فاجعه‌ای می‌کرد که سربازان اسرائیلی خالق آن بودند. هند در صحبت‌هایش دقیقا به تانک‌های اسرائیلی اشاره می‌کند که در نزدیکی ماشین آنها قرار داشت و سربازان اسرائیلی در پناه آنها به همه سو شلیک می‌کردند. برای اثبات یک جنایت آشکار، به چه چیزهایی بیش از این مدارک مستدل نیاز است؟ آیا باید صبر کنیم تا کسی که متهم به جنایت است درباره آن تحقیق کند؟! یعنی خود جنایتکار درباره جنایت خودش تحقیق کند؟ آیا می‌توان این همه سند غیرقابل انکار را نادیده گرفت؟»

واکنش‌های مثبت به پست اینستاگرامی

پست اینستاگرامی بن هنیه واکنش‌های مثبت بسیار زیادی داشته و توجهات بسیاری را به‌خود جلب کرده است. ادامه صحبت‌های او در این پست اینستاگرامی، بیشتر از بقیه متن آن مورد توجه کاربران قرار گرفته: «همه اینها در شرایطی است که ارتش اسرائیل همچنان به کشتار فلسطینیان در غزه ادامه می‌دهد و کرانه باختری را تحت اشغال خود دارد. آنچه اکنون ضرورت اصلی است، اعتراض به ادامه اشغال و کشتار مردم بی‌گناه و بی‌دفاع است. باید عدالت را درباره فلسطینی‌ها اجرا کرد. این عدالت باید در مورد هند رجب و تمام افراد دیگری اجرا شود که قربانی این نسل‌کشی (ژنوساید) بوده‌اند.»

توجه دوباره به صدای هند رجب

اتفاقات چند روز اخیر دوباره توجهات را به‌سمت فیلم صدای هند رجب جلب کرده است. این فیلم داستانی که با حال و هوایی مستند ساخته شده، با بهره‌گیری از صدای خود هند رجب به بازسازی اتفاق تلخ و دردناکی می‌پردازد که طی آن این دختر و بقیه اعضای خانواده‌اش قربانی خشونت افسارگسیخته و سازمان‌یافته نیروهای مسلح اسرائیل در ژانویه سال ۲۰۲۴ شدند. به‌دنبال قتل اعضای خانواده هند رجب، او که زخمی شده بود به مدت سه ساعت با نیروهای صلیب سرخ صحبت و تقاضای کمک کرد. اولین نمایش عمومی این درام تکان‌دهنده در جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز، با تشویق ایستاده ۱۳ دقیقه‌ای تماشاگران همراه بود. خود فیلم موفق شد جایزه بزرگ هیأت داوران جشنواره ونیز را از آن خود کند. موفقیت جهانی فیلم به قدری زیاد بود که وزارت جنگ اسرائیل را به واکنش شتابزده واداشت و وزیر جنگ اسرائیل این ادعا را تکرار کرد که در زمان کشته شدن هند رجب و خانواده‌اش، هیچ‌یک از گروه‌های نظامی اسرائیلی در آن محدوده حضور نداشته‌اند.

این اظهارات با انتقادات تند بین‌المللی روبه‌رو شد و بسیاری از سیاستمداران از آن به‌عنوان یک دروغگویی زشت و آشکار اسم بردند. نکته جالب این‌که بعد از اعتراف ارتش اسرائیل به مسئولیت داشتن در قبال مرگ هند رجب و خانواده‌اش، توجه محافل هنری و سیاسی دوباره به فیلم صدای هند رجب جلب شده و قرار است این درام پرتنش نمایش‌های تازه‌ای در شبکه‌های تلویزیونی و استریم کشورهای عربی و غربی داشته باشد. این فیلم مدتی قبل از سیمای جمهوری اسلامی ایران هم پخش شد که با برخورد گرم و مثبت دوستداران سینمای اجتماعی همراه بود.

میراث فرهنگی جهان عرب و مسلمان

بن هنیه که این روزها کارهای پساتولید فیلم تازه‌اش «تقلید» را انجام می‌دهد، قصد دارد بعد از آماده شدن این درام حماسی-عاشقانه سراغ فیلمی با مضمون فلسطینی‌ها برود؛ هرچند عقیده دارد فیلم تقلید هم به‌نوعی موضوع فلسطین را نیز در خودش دارد. فیلمساز قصد داشت تقلید را قبل از صدای هند رجب بسازد اما تاثیری که داستان زندگی هند رجب بر او گذاشت باعث شد کارگردانی فیلمی درباره او را بر پروژه دیگرش ترجیح بدهد. داستان تقلید در دو دهه ۴۰ و ۹۰ میلادی اتفاق می‌افتد و عاشقانه‌ای درباره سینما و میراث فرهنگی و هنری جهان عرب و مسلمان است و اطلاعات بیشتری درباره‌اش وجود ندارد. بن هنیه که فارغ‌التحصیل دانشگاه سینمایی تونس است، همواره خودش را مدافع حقوق فلسطینی‌ها معرفی کرده و حتی اولین فیلم بلند سینمایی‌اش «مردی که پوست خود را فروخت» مضمونی فلسطینی دارد و درباره مشکلات و مصائب مردم فلسطین در داخل و خارج این کشور است. بن هنیه که سابقه‌ای طولانی در زمینه سینمای مستند دارد، قبل از شروع کار فیلمسازی برای مدتی در شبکه مستند الجزیره فعالیت کرد و در فیلم‌های داستانی‌اش، بهره زیادی از نگاه مستندگونه خویش می‌گیرد.

جام جم
فرهنگ
CULTURE
۵
دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵ شماره ۷۳۹۹

یادداشت

حجت‌الاسلام دکتر محمدباقر پورامینی | مدیر گروه کلام اسلامی والهیات جدید در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

تنفس تاریخ
شهادت زندگی‌پرور یک رهبر

در تاریخ پرفراز و نشیب و آکنده از حماسه اسلام، گاه وقایع و ابتلائاتی رخ می‌دهند که تمام معادلات مادی، محاسبات سیاسی و منطق جاری زمانه را یک‌باره به‌هم می‌ریزند و گویی عقربه‌های تاریخ را از نو تنظیم می‌کنند. این رویدادهای شگرف، مسیر آینده بشریت را نه در تالارهای تاریک سیاستمداران، بلکه با سرخی خون مطهر شهدا رقم می‌زنند.

امروز، نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و امت بزرگ اسلامی، شاهد و واسطه یکی از همین لحظات نادر، ملکوتی و سرنوشت‌ساز تاریخ است؛ لحظه‌ای عمیق که در آن، شهادت یک رهبر بزرگ و حکیم، نه نقطه پایان یا انسداد یک مسیر، بلکه دقیقا مطلع و آغاز فصلی تازه و پرخروش از حیات طیبه یک انقلاب الهی است. این پدیده، فراتر از خط‌کشی‌های مرسوم دنیای مدرن، نشان می‌دهد که در مکتب توحید، مرگ سرخ تجلی عالی‌ترین شکل مدیریت و هدایت جامعه است.

ریشه در زمین کربلا: روایت طبیب معالج

برای درک عمیق، معرفت‌شناختی و باطنی این رخداد عظیم، شاید هیچ تمثیلی گویاتر، زنده‌تر و تکان‌دهنده‌تر از تصویر ناب و شاعرانه‌ای نباشد که شاعر شیعی، خطیب غیور و نامدار عرب، سیدجعفر حلی، از ژرفای واقعه کربلا ترسیم کرده است.

او در چکامه ماندگار و تاریخی خود، پیکره اسلام را در آستانه محرم سال ۶۱ هجری، مانند یک بیمار رو به احتضار، پیکری نیمه‌جان، رنجور و خسته از بدعت‌ها و انحرافات توصیف می‌کند؛ جامعه‌ای که برای احیا، بازگشت به خویشتن و ماندگاری ابدی‌اش، به یک شوک بزرگ و خونی فوق‌العاده نیاز داشت؛ خونی که نباید از رگ‌های معمولی، که باید از عمق جان و والاترین مرتبه هستی برخیزد و به آن کالبد زخم‌خورده و بی‌رمق، حیاتی جاودان، پرشور و تاریخ‌ساز ببخشد.

آن خون، همان «ثارالله» بود؛ خون مطهر و بی‌بدیل اباعبدالله الحسین(ع) که در گرمای سوزان و غریبانه کربلا بر خاک ریخت اما اسلام حنیف را نه فقط برای آن روز و آن جغرافیا، بلکه برای تمام اعصار و قرون زنده، پاینده و رسواگر ظالمان کرد. سیدجعفر حلی چه خوش سرود که:

«فَمَا رَأَى السَّبْطُ لِلدِّينِ الْحَنِيفِ شِفَا... إِلَّا دَمَهُ فِي كَرْبَلَا شُفِيَا»: امام حسین(ع)، برای درمان و شفای دین حنیف و راستین اسلام که به انحراف یزیدی آلوده شده بود، هیچ راهی ندید جز این‌که خون مطهر خود را در سرزمین کربلا فروریزد.

«وَ مَا سَمِعْنَا عَلِيلاً لَا دَوَاءَ لَهُ... إِلَّا بِنَفْسِ مُدَاوِيهِ إِذَا هَلَكَا»: و ما در طول تاریخ هرگز نشنیده بودیم که بیماری یک بیمار، چنان سخت و درمان‌ناپذیر باشد، مگر آن‌که خود طبیب معالج و پزشک جراح، مجبور شود با بذل جان خویش، هزینه درمان را بپردازد و در این راه جان ببازد تا بیمارش نفس بکشد.

پیوند وجودی با فلسفه عاشورا

شهادت رهبر فرزانه انقلاب آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای دقیقا در همین نقطه عمیق و کانونی با فلسفه وجودی و ملکوتی عاشورا پیوند می‌خورد.

او که خود سال‌ها تبیین‌گر صادق، شجاع و فیلسوف میراث انقلاب اسلامی و مکتب امام خمینی(ره) بود، در نهایت با بصیرت نافذ خویش دید که برای ماندگاری، امتداد و صیانت از این راه پرفراز و نشیب، شاید راهی موثرتر و قطعی‌تر از آنچه جد بزرگوارش حسین‌بن علی(ع) در کربلا انتخاب کرد، وجود ندارد.

او آگاهانه و غیورانه رفت تا جان عزیز، شریف و سال‌ها مجاهدت خویش را به پای درخت تنومند اسلام، عزت ایران و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی فداکند.

سعادتی را که بارها آرزو و در دعاهای خود آن‌را از خدای رحمان درخواست کرده بود.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

آگهی تمدید مناقصه عمومی
(یک مرحله‌ای)
موضوع مناقصه: عملیات اجرایی احداث حوضچه‌های بتنی درجا در پروژه خط انتقال سامانه دوم آبرسانی به شهر اصفهان
دستگاه مناقصه‌گزار: قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء(ص) موسسه اروندان
نشانی محل فروش اسناد:
اصفهان، خواجه عمید، محله ملاصدرا، خیابان آذر بهرام، کوچه نور ۳۱، پلاک ۱۱ ساختمان پارسا، طبقه سوم، مدیریت فنی و مهندسی
شماره تماس ۰۹۱۳۳۷۲۵۸۶۸ (مهندس شاه محمدی)
تضمین شرکت در مناقصه: ۴،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (چهار میلیارد و پانصد میلیون ریال)
آخرین مهلت تحویل پاکات: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۹
دریافت اسناد با ارائه فیش واریز به مبلغ ۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال (پنج میلیون ریال) نزد یکی از شعب بانک سپه به شماره شبا IR980150000005151718061005 به نام واحد اجرایی اروندان امکان‌پذیر می‌باشد.